۱۰ بحران‌ها و راهکارهای انتقال پایتخت | علی‌اصغر هدایی
۱۲ انتقال پایتخت و بهبود روش مدیریت شهری
۱۰ تهران در مسیر رفت و آمد پایتخت

۱۰
بحران و پایتخت جدید
به صورت خیلی صریح باید گفت، پروژه انتقال پایتخت یک مسأله جمعی نیست که در آن خیر مردم در نظر گرفته شود. هر چقدر که زمان بیشتری از روی این پیشنهاد می‌گذرد...

۱۲
بیایید همین تهران را از نو بسازیم
معروف است که یکی از رکوردهای ثبت شده در کتاب گینس در خصوص ایران، بیشترین تعداد تغییر پایتخت در طول تاریخ است. آمده است که تهران سی و دومین پایتخت ایران است که بنا به دلایل...

اما و اگرهایی درباره امکان جابجایی پایتخت

تهران؛ طهران

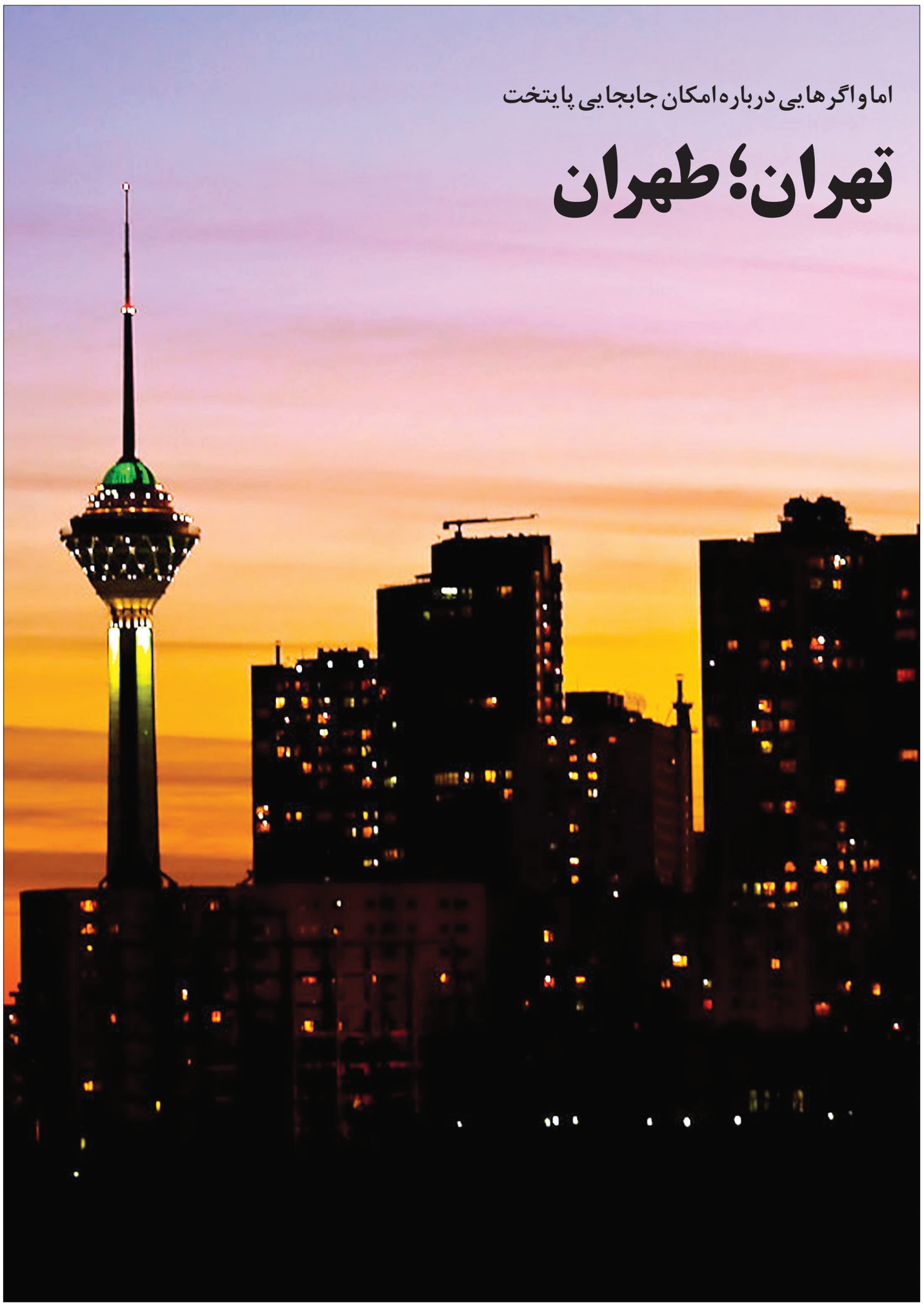

یادداشت ۱

انتقال پایتخت؛ سرمایه‌گذاری بلندمدت

محمد یوسفی
اقتصاددان

مهم‌ترین نکته در بحث انتقال پایتخت این است که ما نباید نظرات شخصی و غیرکارشناسانه خود را در موضوع به این مهمی دخالت دهیم. انتقال پایتخت به‌خصوص درباره نسل‌های آینده اهمیت ویژه‌ای دارد. در تمامی کشورهای توسعه‌یافته دنیا وقتی پایتخت ظرفیت لازم را نداشته باشد و تنها هزینه‌های اضافی برای دولت به همراه داشته باشد، پایتخت به جای دیگری انتقال پیدا می‌کند. درحال‌حاضر هم در کشور ما شرایط به شدت تغییر کرده است. شرایط بین‌المللی و جغرافیایی و اقلیمی تغییر کرده و خشکسالی به یک بحران جدی تبدیل شده است. جمعیت تهران به‌قدری زیاد شده که با انواع و اقسام مشکلات اقلیمی و طبیعی و با بسیاری از خطرات پیش‌بینی نشده روبه‌رو است. مشکل ساخت‌وسازها هزینه ماندن در تهران را چند برابر کرده و متاسفانه برخی به دلیل منافع خود، نفع مردم را در نظر نمی‌گیرند و تلاش می‌کنند درمورد این موضوع سنگ‌اندازی کنند. بحران در تهران بسیار جدی است. شما تنها به یک مورد کوچک درمورد شهر تهران دقت کنید. وقتی در یک کوچه ۸ متری مجوز ساخت یک برج می‌دهند یعنی کسی به فکر مردم نیست چراکه همین مجوز و ساخت‌وسازهایی از این دست می‌تواند جان افراد را هنگام سیل یا زلزله به خطر بیندازد. ما باید این واقعیت را قبول کنیم که امروزه از نظر عقلی و منطقی ادامه زندگی در شهر تهران امکان‌پذیر نیست. کمبود آب و گاز و ترافیک و آلودگی، مشکلات را چند برابر کرده است. ما نباید با مسأله انتقال پایتخت خیلی پیچیده و عجیب برخورد کنیم. مسأله انتقال پایتخت مربوط به هیچ جناح سیاسی و هیچ دولتی نیست و نباید خیلی منفعت‌طلبانه با این موضوع برخورد شود. در شهری مثل تهران که درحال‌حاضر نه شرایط شهری مناسبی داریم و نه مهندسی آن‌طوری که باید در کشور صورت گرفته است، باید هرچه سریع‌تر این اتفاق بیفتد تا هزینه‌های کمتری بپردازیم. انتقال پایتخت قطعا می‌تواند بخشی از این مشکلات را کم کند و از نظر من این باور که هزینه‌های بالای این‌جا به جایی به ضرر کشور است کاملا نادرست است چراکه همین هزینه که ۶۶میلیارد دلار برآورد شده می‌تواند به رونق اقتصادی در کشور کمک کند، رونقی که باعث می‌شود بخشی از آن هزینه دستمزد کارگران و مهندسانی شود که قرار است در ساخت پایتخت جدید همراه باشند. از طرف دیگر با این هزینه تا حالا فکر کردید که چقدر مصالح و ابزار و تکنولوژی می‌توان خرید و بکارگیری این تعداد نیرو تا چه اندازه می‌تواند به چرخه تولید در کشور کمک کند؟ درواقع این‌طور به قضیه نگاه می‌کنم که انتقال پایتخت یک نوع سرمایه‌گذاری به‌حساب می‌آید. سرمایه‌گذاری که می‌تواند تهران را از گرانی مسکن، ساخت بی‌رویه شهرک‌ها، مشکل ترافیک و آلودگی هوا نجات دهد. تهران همچنان یک کلانشهر باقی می‌ماند و قرار نیست برای کسانی که به تهران مهاجرت کردند، مشکلی پیش بیاید. اگر قرار باشد با همین روند ادامه دهیم، تهران تنها هزینه‌های اضافی برای ما به همراه دارد که به مرور زمان باعث هدر رفتن هزینه‌هایی به مراتب بیشتر از انتقال پایتخت می‌شود، بدون این‌که اتفاق مثبتی در این زمینه بیفتد. دولت حالا که در این زمینه تصمیم گرفته است، نباید تردید داشته باشد و باید هرچه سریع‌تر در این مورد وارد فاز عملیاتی شود. کما این‌که در گذشته هم تجربه جابه‌جایی پایتخت وجود داشته و پایتخت ایران از همدان، شیراز و اصفهان به پایتخت کنونی که تهران باشد، تبدیل شده است. البته این توضیحات و ضرورتی که از آن نام بردیم نباید منجر به این شود که یک کار غیرعلمی و بدون مطالعه صورت گیرد. چراکه در پایتخت جدید باید توجه ویژه‌ای به بحران‌هایی شود که امروزه تهران را تهدید می‌کند. به‌عنوان مثال شهری که روی گسل زلزله نباشد و در ضمن دچار بحران و کمبود آب نشود، دو فاکتور اساسی است که باید به آن به‌عنوان پایتخت جدید دقت شود. این تجربه موفق در کشورهایی مثل پاکستان، آمریکا و هند تجربه موفقی بوده است و یک تصمیم عاقلانه به حساب می‌آید. به مسأله انتقال پایتخت نباید به‌عنوان یک مسأله سیاسی یا اقتصادی صرف نگاه کرد. تهران در تمامی ابعاد دچار مشکل شده است.

یک مشکل اقتصادی می‌تواند کم‌کم به یک مشکل اجتماعی تبدیل شود و مشکلات اجتماعی حتی می‌تواند خود یک بحران سیاسی به همراه بیاورد. در نتیجه باید به فکر ساخت یک پایتخت مدرن با سازوکارهای مدرن بود. پایتختی که به صورت کلی انتقال پیدا کند. گفتن این جمله که تنها پایتخت اداری و سیاسی منتقل شود، بیهوده است چراکه همین الان هم تهران پایتخت اقتصادی نیست و بیشتر درآمد ما که از نفت حاصل می‌شود به استان خوزستان مربوط می‌شود. درنتیجه با ساختن یک شهر جدید با ویژگی‌های جدید به‌عنوان پایتخت می‌توان امیدوار بود، مشکلی که سال‌هاست درباره آن صحبت می‌شود به نتیجه عملی برسد. نتیجه‌ای که به نفع تمام مردم و نسل‌های آینده خواهد بود.

جابه‌جایی پایتخت، بایسته‌ها و بازدارنده‌ها

سعید صادقلو
عضو انجمن
ژئوپلیتیک ایران

پایتخت هر کشور در جایگاه کانون قدرت نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی بنیادهای جغرافیایی، اولویت‌ها، نگرانی‌ها، ارزش‌ها و رویکرد کارگزاران نظام سیاسی نسبت به اوضاع کنونی و آینده نظام سیاسی و جامعه است. بر این پایه، حفظ امنیت و ثبات آن همواره در کانون توجه کانون‌های قدرت و تصمیم‌گیری قرار داشته است. شهر تهران نیز به‌عنوان پایتخت ایران، جدای از موارد برشمرده نیست. این شهر طی ۲۰۰ سال گذشته در جایگاه پایتخت سیاسی، اداری و اقتصادی کشور، کانون تمرکز قدرت، ثروت و به تبع آن، جمعیت بوده است. کمتر روستایی در ایران وجود دارد که همگی یا چندین خانواده آن در تهران نباشند. از این رو، گزاف نیست که تهران، عصاره ایران خوانده شود. به فراخور جمعیت‌پذیری و گسترش افقی و عمودی این شهر، به‌طور فزاینده بر چالش‌های زیست‌محیطی، امنیتی و کالبدی آن افزوده شده به گونه‌ای که سلامت و آرامش شهروندان با چالش‌های بنیادی روبه‌رو شده است. از دیگر سو، بستر جغرافیایی ناامن تهران به واسطه وجود گسل‌های بی‌شمار آشکار و پنهان و ناتوانی بسیاری از سازه‌های مسکونی موجود در برابر زمین‌لرزه، آسیب‌پذیری آن را چند برابر کرده است. با توجه به وزن ژئوپلیتیکی تهران در ایران، تداوم وضع ناخوشایند موجود یا بروز رخداد زمین‌لرزه در این شهر، کلیت کشور را با بحران جدی روبه‌رو خواهد کرد. دست‌کم طی ۳ دهه گذشته بحث جابه‌جایی پایتخت از سوی کارشناسان و کارگزاران استانی و ملی همواره مطرح بوده که موافقان و مخالفان بسیار داشته است که واپسین آنها به تصمیم اوایل دی ماه‌سال ۹۲ مجلس شورای اسلامی بازمی‌گردد که طی آن نمایندگان به کلیات طرح ساماندهی و انتقال پایتخت سیاسی و اداری رأی دادند و مقرر شد شورایی متشکل از رئیس‌جمهوری یا معاون اول و برخی وزرا حداکثر ظرف ۲ سال، مکان مناسب برای انتقال پایتخت سیاسی اداری را انتخاب کنند. نوشتار حاضر می‌کوشد افزون بر بایسته‌ها و زمینه‌های طرح جابه‌جایی پایتخت، پیامدهای آن را نیز بررسی کند.

تهران با بیش از ۲۰۰سال پیشینه پایتختی، جمعیتی افزون بر ۸ میلیون تن در خود جای داده است که به همراه شهرهای پیرامونی آن به حدود ۱۲ میلیون تن می‌رسد. این درحالی است که به گفته کارشناسان، سالانه ۱۲۰هزار نفر به جمعیت تهران افزوده می‌شوند. بر بنیاد آمارهای موجود مجموعه شهری تهران در قالب مناطق ۲۲گانه، ۹/۸ درصد جمعیت کشور و کل مجموعه شهری تهران ۲۰درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است. از منظر تاریخی جایگاه حاکمیتی این شهر نسبت به دیگر شهرهای کشور تمرکز بیشتر فعالیت اقتصادی را در پی داشته به گونه‌ای که در گذار ۲۰۰سال گذشته بیشترین نقش‌پذیری را در انباشت و حجم سرمایه در امور مختلف علمی، فرهنگی، بهداشتی، تراکم جمعیت و مهاجرپذیری از سراسر کشور و حتی بیرون از کشور و نیز مدیریت سیاسی فضای ملی داشته است. طی این بازه زمانی این شهر کانون تمرکز مدیریت سیاسی فضای ملی بوده به گونه‌ای که تأثیرگذارترین کانون‌های تصمیم‌گیری و عالی‌ترین مقام‌های کشور در آن به سر برده‌اند. از این رو، شکل‌گیری کلانشهر تهران تابعی از اعمال سیاست‌های حاکمیت و جریان اقتصادی برگرفته از آن بوده است. فرآیند تولید قدرت و افزایش لایه‌های امنیت‌زا در واحد ملی، نقش کلانشهر تهران در فضای ملی را قاطع و در بسیاری از عرصه‌ها بی‌همتا نشان داده‌است. در وضع کنونی به نظر می‌رسد نقش غالب تهران اداری سیاسی است اما بررسی آمارها و کارکردهای آن در دیگر ابعاد نشان می‌دهند که میزان تأثیرگذاری پایتخت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بالاتر است. ابعاد رشد، سوگیری فرهنگی، رابطه متقابل نهادی سیستمی با پیرامون، تعامل اقتصادی و شاخص‌های سیاسی امنیتی تهران، ملاحظات بنیادی در ژئوپلیتیک کشور به شمار می‌آیند. با این حال، داده‌ها و نشانه‌های موجود گویای آن هستند که متاثر از انباشتگی توده جمعیت و فعالیت در پایتخت، توانش‌های محیطی این شهر با بار و فشار فزاینده رویارو است به گونه‌ای که امروزه شکنندگی و ناپایداری محیطی ویژگی نمایان تهران شده است. بی‌گمان، ماندگاری و فزایندگی این روند امنیت را به مفهوم فراگیر آن از شهروندان تهرانی می‌ستاند و در بعد کلان‌تر زمینه بحران‌های جدی در مقیاس ملی خواهد بود. از دیگر سو، داده‌ها و یافته‌های موجود نشان می‌دهند که در دو سده اخیر تا هنگامی که پایتخت ثبات داشته ایران نیز پویندگی و پایداری داشته است و دیگر استان‌ها و شهرهای کشور پیرو تهران بوده‌اند. تهران گرانیگاه فعالیت‌های خدماتی در زمینه‌های پزشکی، آموزش‌عالی، پژوهش و بازرگانی است. همچنین نظام ارتباطی ریلی، جاده‌ای، هوایی، مخابراتی و پستی کشور در تهران متمرکز بوده است. بر این پایه، تهران پیوندگاه محورهای اصلی ارتباطی کشور است. محورهای شمالی جنوبی، شمال غربی جنوب شرقی، شمال شرقی جنوب غربی و شرقی—غربی ایران عموما در تهران تلاقی می‌یابند. از این رو، تعامل و کنش متقابل تهران به‌عنوان مرکزیت اداری سیاسی کشور، به ویژه با شهرهای اصلی به آسانی صورت می‌گیرد. این شهر با داشتن دو فرودگاه بین‌المللی مهرآباد و امام خمینی (س)، چهار پایانه مسافربری شرق، غرب، جنوب و میدان آرژانتین و همچنین خطوط راه‌آهن کشوری و فراکشوری، حجم بالایی از گردش امور پایانه‌ای و ترابری ملی را به خود اختصاص داده‌است.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت ۲

انتقال پایتخت؛ نجات ملت یا نجات دولت

محسن بهرام‌غفاری
رئیس سابق نظام مهندسی
استان تهران

تهران با تمام آنچه به‌عنوان مشکلات برای آن مطرح می‌شود، پایتخت سیاسی کشور و محل تمرکز قدرت است. با این حال گاهی طرح‌ها و موضوعاتی با این عنوان بیان می‌شود که قرار است پایتخت را برای نجات مردم و رهایی آنها از وضع موجود انتقال دهند که همین اول بدون هیچ حاشیه و تعریضی چنین موضوعی را رد می‌کنم.

موافقان انتقال پایتخت معتقدند، شهر تهران به شهری بسیار بزرگ تبدیل شده است، تراکم جمعیتش بالاست و همین امر حواشی بسیاری را برای آن ایجاد کرده است که از جمله، ترافیک سرسام‌آور و آلودگی محیط‌زیست در آن غیرقابل تحمل شده است. این موضوعات نه‌تنها باعث نمی‌شود که به چنین بهانه‌ای مرکز سیاسی کشور را تغییر دهیم بلکه برعکس دلایلی وجود دارند که نشان می‌دهند به همین دلایل باید پایتخت ثابت بماند و فکر دیگری برای حل معضلات آن ارایه دهیم.

برای ورود به این بحث این سوال را مطرح می‌کنم که آیا انتقال پایتخت، برای نجات تهران است و مردمی که در تهران باقی می‌مانند، یا نجات افرادی است که تصمیم به انتقال آن گرفته‌اند؟! اگر برای نجات مردم تهران است که انتقال پایتخت اثری ندارد. برای پاسخ به این پرسش باید بررسی کنیم بار تراکم جمعیتی تهران که از پایتخت بودنش ناشی می‌شود، چقدر است؟ باید آمار دقیقی داشته باشیم و بگوییم فلان مقدار از فشار بر معابر، راه‌ها منابع آبی و دیگر امکانات، ناشی از این است که مرکز حکومتی در تهران است، مرکز حکومتی که می‌گویم عبارت است از پارلمان، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی که در تهران مستقر شده‌اند. والا دانشگاه‌ها و مراکز علمی همچون دانشگاه شریف و دانشگاه تهران که قرار نیست با انتقال پایتخت، جابه‌جا شود.

ادامه در صفحه ۱۲